

2826

۵ —

۱

۴۱۶

دانش

www.ketab.ir



صحف سجاده

دعاهای امام سجاده (ع)

به انضمام

مناجات خمسة عشر ورسالة حقوق

با ترجمه فارسی

مترجم: علی حسین زاده



انتشارات آیین دانش

سرشناسه: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق.

Ali ibn Hosayn, Imam IV

عنوان قرارداد: صحیفه سجاده، فارسی - عربی

دعای خمس عشر، فارسی - عربی

رساله حقوق، فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه سجاده: دعاهاى امام سجاد(ع) به انضمام مناجات خمسة عشر و رساله حقوق / مترجم
علی حسین زاده.

مشخصات نشر: قم: آیین دانش، ۱۴۴۰ ق. = ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص: ۱۱ × ۱۷ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۹-۲۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - عربی.

عنوان دیگر: دعاهاى امام سجاد(ع) به انضمام مناجات خمسة عشر و رساله حقوق.

موضوع: دعاى خمس عشر / Prayer of khams 'Ashr

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق.، صحیفه سجاده

موضوع: Ali ibn Hosayn, Imam IV . Sahifah Sajjadih

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. رساله حقوق

موضوع: دعاها / Prayers

موضوع: احادیث اخلاقی / Hadiths - Ethics

شناسه افزوده: حسین زاده، علی، ۱۳۴۲، [مترجم]

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۳۰۰۱ ص ۱۱/ BP۲۶۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۶۰۱۸۳

صحیفه سجاده

دعاهاى امام سجاد(ع)

به انضمام مناجات خمسة عشر و رساله حقوق

مترجم: علی حسین زاده

ناشر: آیین دانش

چاپ: دانش ۷-۶۶ ۹۷ ۲۲ ۳۷ (۰۲۵)

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۹-۲۸-۸

هزینه: ۱۴/۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، بولوار شهید دل آذر، کوچه شماره ۲، پلاک ۱۴

(انتشارات آیین دانش)

تلفن: ۷-۲۶ ۶۱ ۶۱ ۳۶ (۰۲۵) و ۶۱ ۶۱ ۳۷ ۲۲ (۰۲۵)

■ فهرست ■

۹	زندگی امام زین العابدین (ع)
	بخش اول: صحیفه سجادیه ■ ۱۷
۱۸	اسناد و ابواب صحیفه سجادیه
۳۴	۱- دعای حضرت در حمد و ستایش خدای عزوجل
۴۲	۲- دعای حضرت درباره محمد و آل محمد (ع)
۴۵	۳- دعای حضرت درباره حاملان عرش
۵۱	۴- دعای حضرت درباره پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران
۵۵	۵- دعای حضرت برای خود و خاصانش
۵۹	۶- دعای حضرت هنگام صبح و شام
۶۶	۷- دعای حضرت در امور مهم
۶۹	۸- دعای حضرت در پناه بردن به خدا از صفات ناپسند
۷۱	۹- دعای حضرت در شوق به آمرزش
۷۳	۱۰- دعای حضرت در پناه بردن به خدا
۷۵	۱۱- دعای حضرت برای عاقبت به خیری
۷۷	۱۲- دعای حضرت در اقرار به گناه
۸۳	۱۳- دعای حضرت در طلب حوائج
۸۸	۱۴- دعای حضرت در دادخواهی از ستمگران

- ۹۲ ۱۵- دعای حضرت هنگام بیماری
- ۹۴ ۱۶- دعای حضرت در طلب بخشش از گناهان
- ۱۰۴ ۱۷- دعای حضرت وقتی نام شیطان برده می‌شد
- ۱۰۹ ۱۸- دعای حضرت در دفع بلاها و سختی‌ها
- ۱۱۰ ۱۹- دعای حضرت در طلب باران
- ۱۱۲ ۲۰- دعای حضرت در طلب مکارم اخلاق
- ۱۲۶ ۲۱- دعای حضرت هنگام اندوهگین شدن
- ۱۳۲ ۲۲- دعای حضرت هنگام سختی و گرفتاری
- ۱۳۸ ۲۳- دعای حضرت برای عافیت و تن‌درستی
- ۱۴۲ ۲۴- دعای حضرت برای پدر و مادر
- ۱۴۸ ۲۵- دعای حضرت برای فرزندان
- ۱۵۴ ۲۶- دعای حضرت برای دوستان و همسایگانش
- ۱۵۶ ۲۷- دعای حضرت برای مرزداران
- ۱۶۶ ۲۸- دعای حضرت در ترس از خدا
- ۱۶۸ ۲۹- دعای حضرت هنگام تنگی روزی
- ۱۶۹ ۳۰- دعای حضرت در کمک خواستن بر ادای دین
- ۱۷۲ ۳۱- دعای حضرت در توبه و بازگشت
- ۱۸۳ ۳۲- دعای حضرت پس از نماز شب
- ۱۹۴ ۳۳- دعای حضرت در درخواست خیر و نیکی
- ۱۹۶ ۳۴- دعای حضرت هنگام ابتلا یا رؤیت کسی که مبتلا به رسوایی شده
- ۱۹۸ ۳۵- دعای حضرت در راضی بودن به حکم الهی
- ۲۰۰ ۳۶- دعای حضرت هنگام شنیدن صدای رعد
- ۲۰۳ ۳۷- دعای حضرت در شکر
- ۲۰۹ ۳۸- دعای حضرت در عذر خواستن از خدا از دادخواهی بندگان او
- ۲۱۰ ۳۹- دعای حضرت در طلب عفو و رحمت الهی

- ۴۰- دعای حضرت هنگام یاد مرگ کردن ۲۱۶
- ۴۱- دعای حضرت در طلب پرده‌پوشی و حفظ از گناه ۲۱۸
- ۴۲- دعای حضرت هنگام ختم قرآن ۲۱۹
- ۴۳- دعای حضرت هنگام دیدن ماه نو ۲۳۱
- ۴۴- دعای حضرت هنگام وارد شدن ماه رمضان ۲۳۳
- ۴۵- دعای حضرت برای وداع ماه رمضان ۲۴۳
- ۴۶- دعای حضرت پس از نماز عید فطر و جمعه ۲۶۱
- ۴۷- دعای حضرت در روز عرفه ۲۶۸
- ۴۸- دعای حضرت در روز عید قربان و جمعه ۳۰۴
- ۴۹- دعای حضرت در دفع مکر دشمن ۳۱۶
- ۵۰- دعای حضرت در تیس از خدا ۳۲۳
- ۵۱- دعای حضرت در تضرع و زاری به درگاه الهی ۳۲۶
- ۵۲- دعای حضرت در اصرار و التماس به درگاه خداوند ۳۳۱
- ۵۳- دعای حضرت در فروتنی در پیشگاه خدا ۳۳۶
- ۵۴- دعای حضرت در برطرف شدن اندوه‌ها ۳۳۸

بخش دوم: مناجات خمسہ عشر ۳۴۳

- اول؛ مناجات توبه کنندگان ۳۴۴
- دوم؛ مناجات شکایت کنندگان ۳۴۷
- سوم؛ مناجات خائفان ۳۴۹
- چهارم؛ مناجات امیدواران ۳۵۲
- پنجم؛ مناجات مشتاقان ۳۵۵
- ششم؛ مناجات شکرگزاران ۳۵۸
- هفتم؛ مناجات اطاعت کنندگان از خداوند ۳۶۱
- هشتم؛ مناجات مریدان ۳۶۳
- نهم؛ مناجات محبتان ۳۶۶

۳۶۹	دهم؛ مناجات متوسلان
۳۷۱	یازدهم؛ مناجات نیازمندان
۳۷۴	دوازدهم؛ مناجات عارفان
۳۷۷	سیزدهم؛ مناجات ذاکران
۳۸۰	چهاردهم؛ مناجات پناهندگان
۳۸۲	پانزدهم؛ مناجات زاهدان

بخش سوم: رساله الحقوق ■ ۳۸۵

۳۸۶	اسناد و ابواب رساله الحقوق
-----	----------------------------

الف - حق الله ■ ۳۹۱

۳۹۱	۱- حق الله
-----	------------

ب - حقوق اعضاء ■ ۳۹۲

۳۹۲	۲- حق خویشان
۳۹۲	۳- حق زبان
۳۹۲	۴- حق گوش
۳۹۳	۵- حق چشم
۳۹۳	۶- حق دست
۳۹۳	۷- حق پا
۳۹۳	۸- حق شکم
۳۹۳	۹- حق عضو جنسی

ج - حقوق اعمال ■ ۳۹۴

۳۹۴	۱۰- حق نماز
۳۹۵	۱۱- حق حج
۳۹۵	۱۲- حق روزه
۳۹۵	۱۳- حق صدقه
۳۹۶	۱۴- حق قربانی

د - حقوق فرادستان ■ ۳۹۶

- ۱۵- حق حاکم ۳۹۶
 ۱۶- حق معلم ۳۹۷
 ۱۷- حق مالک کار و منافع ۳۹۸

ح - حقوق زیردستان ■ ۳۹۸

- ۱۸- حق مردم ۳۹۸
 ۱۹- حق شاگرد ۳۹۹
 ۲۰- حق همسر ۴۰۰
 ۲۱- حق بنده و مملوک ۴۰۰

ز - حقوق خویشاوندان ■ ۴۰۱

- ۲۲- حق مادر ۴۰۱
 ۲۳- حق پدر ۴۰۲
 ۲۴- حق فرزند ۴۰۳
 ۲۵- حق برادر ۴۰۳

ز - حقوق سایر مردم ■ ۴۰۴

- ۲۶- حق مولای آزاد کننده بنده ۴۰۴
 ۲۷- حق عبد آزاد شده ۴۰۵
 ۲۸- حق نیکوکار ۴۰۵
 ۲۹- حق مؤذن ۴۰۶
 ۳۰- حق امام جماعت ۴۰۶
 ۳۱- حق همنشین ۴۰۷
 ۳۲- حق همسایه ۴۰۸
 ۳۳- حق رفیق و دوست ۴۰۸
 ۳۴- حق شریک ۴۰۹
 ۳۵- حق ثروت ۴۰۹

۴۱۰	۳۶- حق طلبکار
۴۱۰	۳۷- حق همکار
۴۱۰	۳۸- حق مدعی
۴۱۱	۳۹- حق مدعی علیه
۴۱۱	۴۰- حق مشورت خواه
۴۱۲	۴۱- حق مشاور
۴۱۲	۴۲- حق نصیحت خواه
۴۱۲	۴۳- حق نصیحت کننده
۴۱۳	۴۴- حق بزرگسال
۴۱۳	۴۵- حق خردسال
۴۱۴	۴۶- حق درخواست کننده
۴۱۴	۴۷- حق درخواست شونده
۴۱۴	۴۸- حق شادمان کننده
۴۱۵	۴۹- حق بدی کننده
۴۱۵	۵۰- حق هم کیشان
۴۱۶	۵۱- حق اهل ذمه

زندگی امام زین العابدین (ع)

- ولادت تا شهادت

امام علی فرزند حضرت اباعبدالله الحسین؛ سید الشهداء علیه السلام، ملقب به زین العابدین و سید الساجدین و مکنی به ابامحمد و ابالحسن، در چهارم ماه شعبان سال ۳۸ هجری قمری در مدینه منوره از مادرش شهربانو؛ دختر یزدگرد از پادشاهان ساسانی، چشم به جهان گشود.^۱

ایشان مدت دو سال از حیات جد بزرگوارش؛ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و دوازده سال از حیات عموی بزرگوارش؛ امام حسن علیه السلام و بیست و سه سال از حیات پدر بزرگوارش؛ امام حسین علیه السلام را درک کرد و از علوم نبوت و دست آوردهای اجداد طاهرینش، تغذیه نمود و پس از شهادت سالار شهیدان از طرف حق تعالی امامت و رهبری امت را بر عهده گرفت و در زمانی که همه ارزش‌های الهی و دینی دست‌خوش تغییر و تحریف بنی‌امیه قرار گرفته بود، مشعل علم و حکمت و مرجع حلال و حرام الهی گردید. آن بزرگوار در ورع و عبادت خدا و پارسایی، زبازد همگان شد و همه‌ی مسلمانان به علم و استقامت و برتری او ایمان آوردند و آگاهان تسلیم رهبری و فقاقت و مرجعیت ایشان گردیدند. امام سجاد علیه السلام در مدت سی و چهار سال امامت پر بخت خود، هرچند به حسب ظاهر تعرضی نسبت به دستگاه خلافت اموی نداشتند ولی به سبب نارهای فرهنگی و تعلیم و تربیت افراد مؤمن و مخلص، در موارد متعدد مورد شکنجه و آزار حاکمان اموی قرار گرفتند، به طوری که حداقل یک‌بار آن حضرت را با غل و زنجیر از مدینه به شام بردند.^۲

ایشان سرانجام در سال نود و پنج هجری در حالی که پنجاه و هفت سال از عمر شریفشان گذشته بود به تحریک هشام؛ خلیفه اموی به دست ولید بن عبدالملک مسوم شدند و در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع کنار قبر عموی گرامی‌شان؛ امام حسن علیه السلام دفن گردیدند.^۳

- شمه‌ای از حالات معنوی امام علی بن الحسین (ع)

نفوذ ایمان به اسلام و پیامبر و حقیقت و معنویت اسلام، در هر یک از اهل بیت پیامبر علیهم السلام به

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۲۳.

۳. کافی ج ۱، ص ۴۶۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹.

حدی است که از آینه وجود هر يك از آن ذوات مقدس، پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌گردد. درباره بُعد روحانی و معنوی امام علی بن الحسین که به سجاد و زین العابدین معروف گردیده‌اند، روایاتی وارد شده است که از پرتو نماز و دعا و خوف ایشان از خداوند، گویا پیامبر اکرم (ص) در محراب عبادت و دعا در ثلث آخر شب یا در غار حرا دیده می‌شود. از برخی همسران پیامبر نقل شده است^۱ هنگامی که وقت نماز می‌رسید، آن قدر پیامبر متوجه عظمت خدا بود، مثل این که نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را می‌شناسیم.

شیخ طوسی از راوی نقل می‌کند^۲ فاطمه؛ دختر امام امیرالمؤمنین (ع) نزد جابر بن عبدالله انصاری آمد و گفت: ای جابر! تو از اصحاب رسول خدایی. ما بر گردن شما حقوقی داریم. یکی از حقوق ما این است که هرگاه دیدی یکی از ما به خاطر تلاش فراوان در معرض خطر است، به او یادآوری کنید و او را به حفظ جان، سفارش نمایید و این علی بن الحسین (ع) یادگار پدرش، سیدالشهدا است که بر اثر کوشش فراوان در عبادت، خود را در پرتگاه خطر شدید قرار داده است و از بسیاری سجده، پیشانی و کف دست‌ها و روی زانوهایش پینه بسته و جانش را در رنج شدید انداخته است. جابر به خانه امام سجّاد (ع) آمد و پس از کسب اجازه، وارد خانه شد. آن حضرت را در محراب عبادت دید که کثرت عبادت، او را فرسوده نموده بود. عرض کرد: ای فرزند پیامبر! خداوند به برکت وجود شما بلاها و عذاب‌ها را از مردم برطرف می‌کند. به مسلمانان رحم کنید و برای حفظ جان‌تان کمتر عبادت کنید. امام در پاسخ فرمودند: «يَا جَابِرُ! لَا أَزَالُ عَلَى مَهْجَا أَتَوِي مُؤْتَسِياً بِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حَتَّى أَلْقَاهُمَا»؛ «ای جابر! من همواره به راه و روش پدرانم خواهم بود و به آن‌ها اقتدا می‌کنم تا به دیدارشان نائل گردم.»

راوی نقل می‌کند^۳ هرگاه علی بن الحسین (ع) وضو می‌ساخت رنجهش زود می‌شد. نزدیکانش عرض می‌کردند: این چه حالی است به شما دست می‌دهد؟ می‌فرمود: هیچ می‌دانم آن کسی که من آماده ایستادن در برابرش می‌شوم چه کسی است؟ طاووس یمانی می‌گوید^۴: علی بن الحسین (ع) را در مسجد الحرام در حجر اسماعیل زیر ناودان

۱. عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۵۲.

۲. امالی للشيخ طوسي، ص ۶۳۷.

۳. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. كشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۰۸.

دیدم که دعا می کرد و می گریست. وقتی از نماز فارغ شد خدمت ایشان عرض کردم: یا ابن رسول الله! شما را در چنین حالتی دیدم، در حالی که شما دارای سه ویژگی هستید که امید می رود شما را از خوف و ترس ایمن دارد؛ یکی آن که فرزند رسول خدایید، دوم شفاعت جدّتان، سوم رحمت الهی. حضرت فرمودند: ای طاووس! اما آن که من فرزند رسول خدایم، مرا ایمن نمی گرداند و حال آن که حق تعالی فرموده: «فَلَا أَتَسَابُ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ»؛ «در آن روز میان آن ها هیچ نوع نسب و خویشاندی نیست.» اما شفاعت جدّ نیز مرا ایمن نمی سازد چون حق جل و علا می فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»؛ «آن ها هر برای کسی که خدا او را پسندیده شفاعت نمی کنند.» اما رحمت الهی چون حق سبحانه و تعالی می فرماید: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»؛ «همانا رحمت الهی به نیکوکاران نزدیک است»، در حالی که نمی دانم من نیکوکارم!!؟

در روایت آمده است^۱ امام مشغول دعا و مناجات بودند که یکی از فرزندان ایشان از جایی افتاد و استخوانش شکست. درحالی که از درد فریاد می کشید شکسته بند آوردند و دست بچه را بستند و او آرام گرفت. قضیه گذشت. بعد از آن امام دیدند دست بچه را بسته اند. از چگونگی آن سوال فرمودند. عرض کردند: وقتی شما مشغول عبادت بودید این جریان اتفاق افتاد. بدین ترتیب معلوم شد که آن چنان امام درحال جذبه به سر می برد است و آن چنان این روح به سوی خدا پرواز کرده بود که هیچ يك از آن صداها اصلاً به گوش ایشان نرسیده بود.

نمونه ای از ابعاد اجتماعی امام (ع)

در مدینه صد خانواده بودند که روزی آنان و آنچه بدان نیازمند بودند به در خانه شان می رسید و نمی دانستند از کجا است و چون علی بن الحسین (ع) از دنیا رفت، دیگر خبری نیافتند و دانستند که آورنده آن ها علی بن الحسین (ع) بوده است.^۲

در برخی سفرهای حج، امام برای خدمت به حجاج وارد قافله هایی می شدند که از نقاط دور دست آمده بودند و به طور ناشناس از آن ها اجازه خدمت می خواستند. آن ها نیز می پذیرفتند. بارها سایل آن روز فاصله مدینه و مکه ده تا دوازده روز طول می کشید. امام در تمام این مدت به صورت يك خدمت گزار مشغول خدمت بودند. در یکی از سفرها مردی که امام را می شناخت بین راه با این قافله

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۰.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۶؛ خصال، ج ۲، ص ۵۱۸.

برخورد کرد. نزد مستولان قافله رفت و گفت: این شخصی که به خدمت گرفته‌اید، کیست؟ گفتند: ما او را نمی‌شناسیم ولی جوان بسیار خوبی از اهل مدینه است. گفت: اگر می‌شناختیدش این طور به او فرمان نمی‌دادید و او را در خدمت نمی‌گرفتید. گفتند: کیست؟ گفت: علی بن الحسین؛ فرزند پیامبر است. آن‌ها خودشان را به دست و پای امام انداختند و گفتند: آقا با این کار ممکن بود ما به شما جساتی کنیم و معذب به عذاب الهی شویم، ما باید خدمت‌گزار شما باشیم. امام فرمودند: من می‌خواهم با قافله‌ای حرکت کنم که مرا نمی‌شناسند، تا توفیق خدمت به حجاج بیت‌الله الحرام و رفقا برای من پیدا شود.

ابن شهر آشوب در «مناقب» نقل می‌کند: فردی علت این سیره حضرت را در سفرها پرسید، حضرت فرمودند: «أَكُنْ مِنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ مَا لَا أُعْطِي مِثْلَهُ»: «خوشم نمی‌آید به واسطه انتساب به پیامبر، به جایگاهی برسم که خود حضرت به آن نرسید و یا در حق من لطفی شود که به خود حضرت نشد.»^۱

امام سجاد (ع) در کلام دیگران

زهری از علمای اهل سنت می‌گوید: در میان بنی‌هاشم، برتر از علی بن الحسین و فقیه‌تر از او کسی را ندیده‌ام.

سعید بن مسیب از عالمان مدینه نیز می‌گوید: من هرگز کسی را با تقواتر از علی بن الحسین نیافتم.^۲ مالک از پیشوایان اهل سنت می‌گوید: او را به سبب کثرت عبادت و خدا پرستی اش زین العابدین لقب داده‌اند.

شافعی امام دیگر اهل سنت، علی بن الحسین را آگاه‌ترین مردم مدینه شمرده است.^۳ این واقعیت را نیز خلفای بنی‌امیه معاصر حضرت، با همه دشمنی‌هایی که نسبت به ایشان داشتند، پذیرفته‌اند. برای نمونه عبدالملک بن مروان به امام (ع) می‌گوید: خداوند چنان علم و دین و پارسایی به تو داده که جز پدرانیت به هیچ کس قبل از تو نداده است. عمر بن عبدالعزیز نیز درباره امام (ع) گفته است: زین العابدین چراغ دنیا و جمال اسلام است.^۴

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۰.

۲. اعلام الهدایة، ج ۶، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. فتح الابواب بین ذوی الالباب، ص ۱۷۰.

اما مسلمانان عموماً نسبت به امام، وابستگی عاطفی شدیدی در خود احساس می‌کردند و در اعماق جان‌شان به ایشان محبتی خاص و ویژه داشتند. پایگاه مردمی امام (ع) در جای جای عالم اسلام، در دل‌های امت گسترش یافته بود، چنان‌که وقتی هشام بن عبدالملک در آن زمان در کنگره‌ی بزرگ حج، برای انجام مناسک شرکت کرده بود، برای طواف خانه‌ی خدا وارد مسجدالحرام شد و در طواف به واسطه‌ی ازدحام جمعیت هر چه سعی کرد تا حجرالاسود را استلام کند نتوانست، پس از طواف منبری برای او نصب کردند که روی آن نشست. ناگاه امام زین العابدین (ع) به مسجدالحرام وارد شدند و به طواف خانه‌ی خدا پرداختند. هشام و تعدادی از اهل شام که همراه او بودند، می‌دیدند هر وقت امام به محل حجرالاسود می‌رسند، جمعیت راه را برای او باز می‌کردند و مردم از اطراف حجرالاسود فاصله می‌گرفتند تا ایشان بتواند حجر را استلام کند زیرا مردم او را خوب می‌شناختند و به او عشق می‌ورزیدند و این عشق مردم به امام زین العابدین (ع)، فقط از جهت آگاهی‌های مذهبی و خصلت‌های روانی‌اش نبود، بلکه او را مانند اجداد طاهرینش رهبر و ملجأ و پناه خود در همه‌ی مشکلات و مسایل زندگی می‌دیدند. در این هنگام عده‌ای از اهالی شام که با هشام بودند از او پرسیدند که این شخص کیست؟ هشام برای این که اهالی شام حضرت را نشناسند و به او علاقه‌مند نشوند گفت: او را نمی‌شناسم و حال آن‌که خوب می‌شناخت. فرزدق؛ شاعر سخن‌سرای عرب که آن‌جا حاضر بود گفت: اگر تو او را نمی‌شناسی، من او را می‌شناسم. او علی بن حسین؛ زین العابدین (ع) است. لذا برای معرفی آن بزرگوار در همان جا اشعاری انشاء کرد که ترجمه‌ی چند بیت آن بدین شرح است:

این مرد همان کسی است که سرزمین مکه و بطحا جای پای او را می‌شناسد،
خانه کعبه و بیابان‌های جیل و حرم حجاز او را می‌شناسند.

■ ■ ■

این فرزند بهترین بندگان خدا است، پرهیزکار و پاکیزه و پاکی است که حجت
و نشانه‌ی خداوند در روی زمین است.

■ ■ ■

تجاهل و گفتن تو که او کیست، صدمه‌ای بر شخصیت والای او نمی‌زند.

■ ■ ■

کسی که تو او را نمی‌شناسی، عرب و عجم او را می‌شناسند.

■ ■ ■

اگر تو او را نمی‌شناسی، بشناس: او فرزند فاطمه است که با جدّ بزرگوار او
پیامبری به پایان رسید.

■ ■ ■

در هر کاری بعد از ذکر خدا، پیش از همه، نام ایشان برده می‌شود و همه سخن‌ها
به آنان خاتمه می‌یابد.^۱

۱- وضعیت سیاسی و اجتماعی و اخلاقی دوران امام سجّاد (ع)

بعد از عاشورا پس از به شهادت رسیدن فرزند پیامبر (ص)، در سراسر جهان اسلام خصوصاً در حجاز و عراق، جوّ رعب و وحشت و اختناق شدید بین شیعیان به وجود آمد و این رعب و هراس با وقوع چند حادثه دیگر از جمله واقعه حرّه و شکست حرکت توأیین در عراق و شهادت مختار و ابراهیم بن مالک اشتر و دیگر بزرگان شیعه مدینه و کوفه، کاملاً شد و پی‌روان اهل بیت (ع) در نهایت غربت و تنهایی قرار گرفتند. از سوی دیگر حکومت اموی به اشاعه هوسرانی در بسیاری از نواحی جهان اسلام، به خصوص در اماکن مقدسی همچون مدینه منوره و مکه مکرمه گمارد تا هیبت آن دو شهر مقدس را از دل مسلمانان ببرد. بدین ترتیب هوسرانی، هرزگی و بی‌بندوباری بی‌رویه‌گی عموم مسلمانان سایه‌گستر شد و شیوع آوازه‌خوانی در مدینه منوره، آن شهر مقدس را به صورت مرکز فساد درآورد. و در نتیجه برای اشاعه بی‌بندوباری و فساد، زنان آوازه‌خوان نقشی فعال ایفا می‌کردند. ابوالفرج می‌گوید: «آوازه‌خوانی در مدینه چنان معمول بود که نه عالمان آن را بد می‌دانستند و نه عابدان مانع آن می‌شدند به این وسیله امویان مرکزیت دینی و سیاسی مدینه پیامبر (ص) را که مرکز تمدن و فرهنگ دینی و منبع انتشار تفکر و تمدن اسلامی در جهان آن روز بود، از بین بردند و در حالی که فقر و بیچارگی گلوی مردم را در جهان اسلام می‌فشرد، ثروت‌های جامعه اسلامی را بین آوازه‌خوانان و دلق‌ها و هرزه‌گرایان تقسیم می‌کردند. از سوی دیگر چون تبلور شعور عمومی و گسترش علم و دانش در میان مسلمانان، مصالح حاکمان اموی و سلطنت آنان را به خطر می‌انداخت، بنی‌امیه تمام تلاش خود را برای از بین بردن علم

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۶۷.

۲. الاغانی، ج ۸، ص ۲۲۴.

و دانش و گسترش جهل و خرافه به کار برد، تا جایی که حیات علمی در عصر امام سجاد (ع) به معنای واقعی خود، از بین رفته بود.

۱- برخورد امام سجاد (ع) در مبارزه با جنگ نرم اموی

با توجه به بستر زمانی پیش آمده، ضرورت یک حرکت فکری به نظر می‌رسید تا در چهار چوب تعالیم اسلامی، افق افکار مسلمانان گسترش یابد تا بتوانند با روحیه‌ای پرتلاش و آگاه و پیگیر، کتاب و سنت را به عنوان مشعل هدایت به دست گرفته و در موارد لازم و مورد نیازشان در اوضاع جاری خود از آن بهره‌مند گردند. شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در این زمینه می‌نویسد: در چنین فضایی امام علی بن الحسین زین العابدین (ع) تلاش کردند تا امت اسلامی اولاً اصالت شخصیت اسلامی خود را به دست آورد و ثانیاً برای یافتن راه حق، بذل تلاش در دل آن‌ها افشاند.

لذا ایشان از یک سلسله کلاس درس خود را در مسجد پیامبر (ص) آغاز کرد و با بیان انواع معارف اسلامی؛ اعم از تفسیر، حدیث، فقه و غیره با مردم سخن گفت و علوم الهی را بر دل‌های آنان جاری ساخت و به عده‌ای از باهوشان آن‌ها، مبانی فقه اسلام و روش استنباط احکام را آموزش داد تا فارغ التحصیلان این کلاس درس، بنیاد فکری مهمی برای حرکت فعال فقه در بین مسلمانان پایه‌گذاری کنند. از سوی دیگر امام زین العابدین (ع) در برابر جریان‌های فاسد و ویرانگر اخلاق که هر جامعه‌ای را در معرض خطر کشیده شدن به لذات دنیا و افراط در فرو رفتن در تجملات و زیبایی‌های زندگی محدود دنیا قرار می‌دهد، دعا و نیایش را بنیاد نهادند تا از سعی لذت‌گرایی را در ناپود کردن عشق سوزانی که از ارزش‌های اخلاقی و پیوندهای روحی نسبت به خدا و روز قیامت در مسلمانان پدید می‌آید، خنثی کنند و از این راه تلاش کردند یک جو روحی در جامعه اسلامی پدید آورند که با اتکا به آن، یک فرد مسلمان بتواند در برابر تندبادهای هوس‌ها پایدار بماند و به او بقیامت برای چه ارزش‌های روحی خلق شده است و تا وقتی که زمین می‌خواهد او را به طرف خود بکشاند، او را راستی محکم به خدایش از بلعیده شدن به واسطه هوس‌ها در امان بماند.

امام (ع) در هر جمعه برای مردم سخنرانی می‌فرمود. آنان را به زهد در دنیا و رغبت و شوق به کار برای آخرت فرا می‌خواند و موعظه می‌کرد و قطعه‌هایی از انواع دعا و حمد و ثنایی که نشان دهنده بندگی خالصانه‌ی او نسبت به خدای سبحان و بی‌همتا است به گوش مردم می‌خواند.

بنابراین صحیفه‌ی سجاده‌ی نسخه‌ای از آن حرکت روحی و معنوی است که امام (ع) در راستای

تحقق این هدف پدید آوردند. از این رو صحیفه‌ی سجاده‌ی یک منبع بزرگ مکتبی و یک مشعل هدایت ربانی و یک مدرسه‌ی اخلاق و تربیت اسلامی است که انسانیت با گذشت قرون و اعصار، پیوسته به این میراث محمدی و علوی نیازمند است و هر چه گمراهی‌های شیطان و فریبندگی دنیا بیشتر گردد، نیاز به آن بیشتر می‌گردد.

تاریخ صحیفه

صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده که به زبور آل محمد علیهم‌السلام و انجیل اهل بیت علیهم‌السلام شهرت یافته، اولین نیایش نامه‌ی مکتوب عالم اسلام است که از دل پر سوز و گداز امام علی بن الحسین؛ زین العابدین علیه‌السلام بر خاسته است که آن حضرت برای فرزندان بزرگوارشان؛ امام محمد باقر و زید شهید علیهم‌السلام املا نموده و آن دو بزرگوار مکتوب داده‌اند.

در این صحیفه‌ی مسهور که دارای نجاه و چهار دعا می‌باشد، امام علیه‌السلام با بهترین و زیباترین روش ممکن، به تعلیم دین و اصول اعتقادات آن و اخلاق و حقوق و ارزش‌های والای انسانی در قالب دعا، می‌پردازد و نیازهای فطری انسان را بیان نموده و با معرفی خویشتن آدمی به او، شیوه‌ی دعا کردن را به انسان می‌آموزد.

درود و سلام بر امام ما، روز ولادتش و روز شهادتش و روز زندگی دوباره‌اش!